Amordad Vol.1 No.6 Tuesday June.25.2002
E.mail: amordadnev@hotmail.com پست الکترونیکی:
دبیر سرویس: آرش سرابی
همکاران: بوذرجمهر پرخیده، موبد پدرام سروش پور، فرزانه گشتاسب

«معرفی آثار و تالیفات محققان روسی در باره ابوالوفا بوز جانی »

نوشته: دکتر لقمان بایمت اف
ترجمه :دکتر رضا مرادی غیاث آبادی

در باره ابوالوفا بوزجانی در دایره المعارف تاجیکی این گونه آمده است :«ابوالوفا بوز جانی » محمد بن محمد بن یحیی (۳۱۹-۲۹۴۰ ه سال تولد ، در بوزجان خراسان ، و فوت سال ۹۹۷-۹۹۸ م-۳۷۶-۷۷ ه . در بغداد .ریاضی دان و منجم) در سن ۲۰ سالگی به بغداد سفر کرده و در مدت کوتاهی در علوم ریاضی و نجوم شهره و متبحر گشت . وی در مورد ریاضیات ، هندسه ،...و نجوم تالیفات بسیاری از خود به یادگار گذاشته است .

ابوالوفا همچنین بر آثار اقلیدس ، بطلمیوس و محمد خوارزمی شرحهایی نوشته است .»ابن ندیم در کتاب خود «الفهرست »از ۱۱ اثر ابوالوفا نام برده است . نسخه خطی «رساله فی یهتاج علیه الصانع .بن عمال الهندسیه »، (رساله ای راجع به ضرورت کار برد علم هندسه)در استانبول ، و کتاب «المجسطی » در پاریس نگهداری می شوند .

ابو الوفا در رصد خانه بغداد در ترتیب دادن زیج و معین کردن قطر کنج خورشید و ماه و همچنین در تحقیق حرکت نا منظم ماه کوشش زیادی از خود انجام داده است . ابوریحان بیرونی‌دراثر خویش «تحدید نهایات الا مکان (تصحیح مصافات المساکن) » نوشته است که ، در سال ۹۹۷ م .هنگام خورشید گرفتگی (کسوف) ابوالوفا در بغداد و خود نیز در خوارزم حادثه کسوف را مشاهده کرده و بعد ،نتیجه مشاهدات را مقایسه کرده اند .

ابو الوفا در علوم دیگری نیز از قبیل زمین شناسی ،صنعت معماری و .. آثاری از خود به جای گذاشته است . اطلا عات فوق در مورد ابوالوفا از دایره المعارف تاجیکی آورده شده ،به گونه ای بسیار مختصر است و این گونه اطلاعات موجز در دایره المعارفها ی دیگر اتحا د شوروی آمده است .

اما موجز بودن اطلاعات در باره ابوالوفا بوزجانی به این معنی نیست که در اتحاد جماهیر شوروی راجع به آثار ابو ریاضی دان و منجم بر جسته ایرانی ،تحقیقات علمی و پژو هشی انجام نگرفته است . متاسفانه مولفان و ترتیب دهندگان مقالات دایره المعارف از تحقیقات علمی دانشمندان راجع به ابوالوفا بطور همه جانبه استفاده نکرده اند و این در حالی است که ،پژو هشگران و محققین شوروی در رابطه با ابوالوفا و آثار وی تالیفاتی مهم و ارزنده داشته اند .

تحقیقات علمی و پژو هشی راجع به ابو الوفا بوزجانی در اتحاد جماهیر شوروی اساسا در سه قسمت صورت گرفته است :

۱. معرفی کلی از شخصیت ابوالوفا بوزجانی به عنوان ریاضی دان و دانشمند بزرگ قرن ۲ هجری.

۲. تحقیقات تخصصی راجع به آثار علمی ابوالوفا بوزجانی و ترجمه آثار وی به زبان روسی .

۳. معرفی نسخه های خطی آثار ابوالوفا بوزجانی تحقیق م . ای . میداوای، را می توان به عنوان نخستین تحقیق تخصصی در مورد ابوالوفا بو زجانی معرفی کرد .

وی در سال ۱۹۵۸ م . مقاله ای تحت عنوان «موارد استفاده اعداد منفی در ابوالوفا » به چاپ رسانید ودر این تحقیق خود کوشش کرد تا نحوه و ویژ گیهای استفاده از اعداد منفی را در آثار ابوالوفا بوزجانی نشان بدهد . گفتنی است که مبنای تحقیق این موضوع رساله «المدخل الصناعه الاعداد »ابوالوفا بوزجانی قرار گرفت و مولف ،قسمتی از این رساله را به زبان روسی ترجمه کرد .

بعد از یک سال . م . ای . میداوای ،مقاله دیگری را تحت عنوان «رساله ریاضی ابوالوفا .(قواعد اعداد کسری عربی)را تالیف کرده و بر اساس رساله ابوالوفا توانست مسایل – اعدادکسری و قواعد آن را در علم ریاضی ـ اسلامی ـ نشان بدهد .

در این مقاله .م .ای .میداوای .از رساله پر ارزش ابوالوفا یعنی از کتاب «المعال و غیرهم ـ من علم الحساب » بطور فراوان استفاده نمود .در مقاله دیگر .م.ای .میداوای که «رساله ریاضی ابوالوفا »نام دارد رساله «العمال و غیرهم من‌علم الحساب »ابوالوفا را بطور مفصل مورد تحقیق و بررسی قرار داده که نقد و بررسی آن خود مقاله ای جداست .

به همین گونه .م.ای. میداوای ،در معرفی ابوالوفا اقدامات مهمی نیز کرده است . دومین محقق که در رابطه با ابوالوفا و آثار روی تحقیقات مهمی را انجام داده است . س .آ. کراسناوا نماند قرار تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند

آدمی این گفته انسانی ، دری است که در صدف فرهنگ انسان گرای ایرانی سفته شده است . این سخن انسان گرا که امروز زینت بخش تالار اجتماعات حقوق بشر سازمان ملل متحد است و سراسر جهان بشری خود را بدان مفتخر می سازد ، زمانی گفته شد که سیاهی و ددمنشی بر چهار گوشه گیتی حکمرانی داشت و در همان دوران سیاه بود که سعدی ، به نقل از فردوسی که ده قرن پیش از این می زیست ، گفت :

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد
که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است

هم چنین شایان توجه است که در برابر این فرهنگ انسان گرای باستانی که قرن ها است آزار حیوانات را منع می کند ، باختر متمدن در قرن بیستم آموخته است که از حیوانات حمایت کند .

جغرافیای ایران و هویت ایرانی‌هویت ملی هر ملتی ، در درجه نخست ، زاییده محیط جغرافیایی آن ملت است و فلات ایران ، بدون تردید ، گاهواره هویت ایرانی است .

ا ما اینکه ایران از چه هنگامی آغاز گردید ، باورعمومی تا می باشد . این محقق توجه اساسی خود را به مسایل هندسی ابوالوفا بوزجانی متمرکز کرده است . وی در سلسله مقالات خود که به مسایل هندسی اسلامی اختصاص یافته بود .سعی نموده تا جایگاه ابوالوفا را در تا ریخ علم هندسه اسلامی در شرق نزدیک و میانه روشن نماید . برای بررسی و تحقیق مسایل هندسی .س. آ. کراسناوا ،از نسخه خطی «فی مایهتاج الصانع من‌اعمال الهندسیه »ابوالوفا که در کتابخانه استانبول نگهداری می شود ،استفاده فراوانی کرده است و ترجمه روسی این رساله را نیز ضمیمه آن نموده است .

در سال ۱۹۶۵ م محقق شوروی م . اسحاق اف . مقاله مفصلی را راجع به زندگی و آثار ابوالوفا بوزجانی به چاپ رسانید وی در این تحقیق خویش توانست مهمترین جنبه های زندگی و فعالیت علمی ابوالوفا را بررسی نماید . این مقاله در میان تحقیقاتی که راجع به ابوالوفای بوزجانی در اتحادشوروی صورت گرفته است ازجایگاه خاصی بر خوردار است. در سال ۱۹۶۵ م . محقق برجسته تاریخ علم . گ.گ. ماتیوسکا یا . در مجله آکادمی علوم ازبکستان نسخه های خطی «المدخل الحفظ الصناعه الارثما طیفا »ابوالوفا را معرفی کرده است . و بعد از چند سال دیگر .گ . گ . ماتیوو سکایا تحقیق ارزشمندی را در رابطه با اهمیت رساله مزبور ابو الوفا بوزجانی انجام داده است علاوه بر این وی رساله «المدخل الحفظ الصناعه الا رثما طیفا »ابوالوفا بوز جانی را به زبان روسی ترجمه نمود چنان که محققین معتقد ند تحقیقات گ. گ. ماتیوسکایا . از مهمترین تحقیقات در مورد ابوالوفا بوزجانی به شمار می آید . در سال ۱۹۸۳ . م. گ.گ. ماتیوسکایا . همراه با ب. آ رازن فلد که وی نیز از محققین بر جسته تاریخ علم به شمار می آید کتاب مفصلی رادر سه جلد راجع به ریاضی دانان و منجمان اسلامی در قرون وسطی تالیف نمودند . بدون شک ،این تالیفات را می توان به عنوان دایره المعارف علمی تخصصی در مورد ریاضی دانان اسلامی معرفی کرد . و از لحاظ اهمیت علمی کمتر از کتاب .چ .آ استاری «ادبیات فارسی »نیست . شرح و بررسی این کتاب در این مقال از حد امکان بیرون است . اما جلد دوم این کتاب در رابطه با ابوالوفا بوزجانی بسیار مهم به نظر می رسد . در جلد دوم این تالیف گرانبها ،زیر شماره ۱۶۷ (ص. ۱۸۱-۱۷۷)اسم ابو الوفا بوزجانی و آثار وی جمع آوری نمایند . از جمله منابع اصلی که در باره ابوالوفا بوزجانی و تحقیقات علمی و پژو هشی محققین به زبانهای مختلف ،و نیز ترجمه های آثار ابوالوفا بوزجانی ذکر شده اند تالیف مذ بور بدون شک از مهمترین راهنماها و منابع برای پژو هشگران و محققین آثار ابوالوفا بوزجانی است . و در ضمن لازم به ذکر است که ترجمه فارسی این قسمت کتاب ،برای محققین ایرانی دارای اهمیت فوق العاده ای خواهد بود . یکی از موضوعاتی که در این تحقیق توجه خاصی به آن شده است معرفی مختصری از نسخه های خطی آثار ابوالوفا بوزجانی می باشد . مولفین در این تالیف خویش اطلاعات مفیدی در باره بیش از ۳۰ نسخه خطی آثار مختلف ابوالوفا بوزجانی به دست داده اند . از دیگر موضوعاتی که در رابطه با ابو الوفا بوز جانی در این تالیف آمده است ذکر اسم عمر ابن ابو الوفا بوز جانی زیر شماره ی ۱۶۷ می باشد. گ.گ. ماتیوو سکایا و ب.آ.رازن فلد حدس می زنند که این ریاضی دان و منجم به احتمال قوی فرزند ابو الوفا بوز جانی است. در ذکر آثار وی نیز از کتاب" مطالع العلوم فی علوم ـ الاوایل و حساب" بر اساس نوشته های حاج خلیفه نام می برند.

طبق گفته ی ما تو یو سکایا و ب.آ. رازن فلد نسخه ی خطی این اثر شامل ۶۰۰ صفحه بوده است . (ص ۱۸۱) می توان گفت این موضوع از موضوعات پوشیده و مسکوت در تاریخ علم ریاضی اسلامی و بخصوص در بررسی آثار ریاضی دانان ایرانی می باشد و تحقیق همه جانبه و گسترده این مساله خالی از اهمیت نخواهد بود .

محقق و دانشمند تاجیک خورشید عبد الله زاده نیز راجع به ابوالوفا بوزجانی تحقیق مفیدی انجام داده است و وی را در علم هندسه در ردیف ابن سینا و سجزی گذاشته است . یکی از مسایلی که خورشید عبدالله زاده به آن توجه خاص کرده است ، موضوع ثابت نمودن قضیه سینوس از جانب ابوالوفا بوزجانی ، ابومحمود خجندی و ابن عراق است .

واقعیت های ایرانی (۲)

نوشته : پیروز مجتهد زاده

هویت ایرانی و انسان گرایی فرهنگ ایرانی فرهنگ شهر وندی ایرانی یکی از کهن ترین و ریشه دارترین فرهنگ ها و تمدن ها ی جهان است ،اگر کهن ترین و ریشه دارترین نباشد .

پیشینه این فرهنگ و شهر وندی کهن را در اندیشه های ایرانی هزاران سال پیش از این باید جستجو کرد . در دورانی که آیین مهر و دین زرتشتی (مزداییزم)راهگشای راه بشر به جایگاه شامخ انسان ـ خدایی شدند .

تاریخ دقیق هیچ یک از این دو مکتب ایرانی را نمی توان تعیین کرد . تاریخ پیدایش میترااییزم را حتی به دوران مهاجرت تیره های آریایی به سرزمین ایران می رسانند ،در حالی که تاریخ پیدایش مزداییزم را میان سه تا پنج هزار سال پیش نوشته اند .

برخی از پژو هشگران نامی معاصر همانند پیو فیلیپانی ـ رنکنی ایتالیایی ،باور بر این دارند که ادامه میترااییزم در ایران باستان در کنار دین زرتشتی سبب شد تا این دین از حالت یکتا پرستی خارج شده و ارزش خود را به عنوان یکی از پیشرفته ترین ادیان جهان بشری از دست دهد . شاید این گفته درست باشد ،ولی باید توجه داشت که ،در همان حال ،ادامه آیین مهر به موازات دین مزدا در ایران باستان سبب شد تا زمینه برای گسترش فرهنگ شهر وندی درخشان در ایران فراهم آید . به گفته دیگر ،این هر دو از جهتی ، مکمل هم بودند . چه آیین مهر راه را برای درخشش عرفان یا « والانگری » ایرانی و اوج گرفتن برتر اندیشی در فرهنگ ایرانی گشود و دین مزدا راه را برای گسترش اخلاق اجتماعی پیشرفته و تمدن و فرهنگ انسان گرای ایرانی هموار نمود . این هر دو ، به یاری هم ، توانستند که زیست پر ارزش معنوی انسان های ایرانی را شکل دهند و در همان حال و حقیقت زندگی این جهانی و نیکو و ارزنده ساختن این زندگی را اساس تلاش های انسان قرار دهند .

آنگاه که نوبت به نخستین دور از« دگرگونی و ادامه » ایران رسید ، مزداییزم جای خود را به اسلام داد و میترااییزم جای خود را به عرفان ایرانی و عرفان اسلامی داد . آیین مهر ، بر خلاف گمان برخی اندیشمندان ، نه دین بود و نه مکتب خورشید پرستی .

این آیین را باید « طریقت » یا « روش حقیقت یابی » دانست . مهر ، به عنوان یک واژه ، معنای گوناگونی در فرهنگ زبان های ایرانی دارد . خورشید ، نو ، گرمی ، مهربانی یا حب ، دوست داشتن از جمله این معانی است . خورشید در آیین مهر ، حدمیانه ای است بین جهان انسانی و کمال نهایی ، خدا . آنچه آیین مهر تلاش برای دست یافتنش دارد ، انسان کامل است و انسان کامل را جز « وجودی خلاق » نمی توان دانست .

بر اساس این اندیشه والا است که مولوی گوید :

آنان که طلبکار خدایید ، خودآیید
بیرون ز شما نیست کجایید ، کجایید

ای انسان های سرگشته که در جستجوی کمال در خارج از وجود خود هستید ، به خود آیید و در درون خود به تکاپوپردازید ، والا نگرید و ارزش های حقیقی را دریابید تا بدانید که کمال ، گوهری است نهفته در وجود شما انسان ها ، شمایید ... شمایید ... ! این تنها شما انسان ها هستید که از موهبت اندیشیدن برخوردارید و بدین سبب بر همه موجودات برتری دارید .

این تنها شما انسان ها هستید که باید اندیشه را به کار گیرید و به درجه کمال و خلاقیت رسید . طیران مرغ دیدی تو ز پایبند شهوت بدر آی تا ببینی طیران آدمیت‌واین فرمان شکوهمندی است در راه انسان شدن و والا شدن کمال یافتن سعدی شیرازی دست آوردش را چنین برشمرد :

رسد آدمی بجایی که بجز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

پیش یاخته های فکری و فرهنگی این والانگری و برتر اندیشی ایرانی از روزگاران کهن تحولی شگرف را در جهان بشری سبب گردید و گویی که بر خاور و باختر گیتی اثر گذارده است .

اگر بوداییان ، پرستش بودا و هندیان ، پرستش سمبل های گوناگون را همراه با پیدایش میترااییزم آغاز کردند که مظهر انسان کامل شناخته می شوند و حد میانه بین انسان و کمال نهایی ، در باختر زمین (یونانیان و رومیان قدیم) سمبل های حد میانه خدا و انسان را پرستیدند و سپس عیسی مسیح را « فرزند خدا » خوانده و انسان کاملش دانستند و حد میانه خداو انسان .

مهم ترین جنبه فرهنگ و شهروندی ایرانی ، بدون تردید ، جنبه انسان گرایی آن است . اساس این فرهنگ بر زیربنای انسان بودن و انسان دوستی استوار است . تصادفی نیست که سعدی گوید : بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرندچو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را

پیشینه این فرهنگ و شهر وندی کهن را در اندیشه های ایرانی هزاران سال پیش از این باید جستجو کرد . در دورانی که آیین مهر و دین زرتشتی (مزداییزم)راهگشای راه بشر به جایگاه شامخ انسان ـ خدایی شدند

کنون بر این بوده است که ایران با پیدایش حکومت هخامنشی در میانه قرن ششم پیش از میلاد ، پدیدار آمد .

پژوهش های نوین ، به نظر می آید که این باور عمومی را به چالش می گیرد و بر آن است که ایلام شاید سرآغاز ایران بوده است .[۵]حکومت هخامنشی (۵۵۹.۳۳۰ پیش از میلاد) با تعیین سازمانی اداری ، مرکب از ساتراپ ها یا پادشاهان خود مختار ، فرماندهان نیروی سواره و پیاده و دریایی ، جمع کنندگان مالیات ها ، بازرسان اداری و هم چنین با گستراندن ارتباطات زمینی و دریایی مفهومی سیاسی پیدا کرد . هم چنین ، تقسیم سرزمین ها به ساتراپی های گوناگون که هر یک از سازمان اداری ویژه خود برخوردار بود ، مفهومی جغرافیایی به « حکومت » در آن دوران داده شد و نخستین نظام فدراتیو ، به معنی حقیقی ، پدیدار آمد که به غلط « امپراتوری » خوانده می شود . به هر حال ، ما با پیدایش یک نظام سیاسی تازه در دوران هخامنشی آشنایی داریم ، و اینکه آنان یکی از نخستین اشکال نظام سیاسی با گرایش های جهانی را پدید آوردند .

این نظام سیاسی که به گونه فدراسیونی از ساتراپی های نیمه مستقل گسترش یافت . این نظام سیاسی امکان آن را به گروه های انسانی گوناگون فدراسیون داد تا هویت فرهنگی و مدنی ویژه خود گسترش دهند . پارسی ها در این فدراسیون ، در بخش گوناگون علوم و فلسفه زمان پیروزی های فراوانی بدست آوردند . با خدماتی که آنان به گسترش میراث مشترک تمدن بشر کردند ، پارسی ها همراه با اقوام هند و ایرانی موجود در همسایگی خود ، هویتی را پدیدار آوردند ویژه خود که در خلال روزگاران گسترش یافته و تکامل پیدا کرده است . این سازمان سیاسی و این هویت تا همین اواخر نزد دیگر مردمان جهان به عنوان « پارس » و« هویت پارسی » شناخته می شد .

این دید نارسا نسبت به ایران و هویت ویژه اش در میانه قرن بیستم اصلاح گردید . گسترش احساس ملی ایرانی تا دوران ساسانی قوام پیدا کرد و این دوران ، دوران پیشرفت های خیره کننده در مفاهیم ملیت و هویت بود . با پیدایش عنوان سیاسی « ایرانشهر » در میانه قرن های ساسانی برای سرزمین های ایرانی فدراسیون ، ایرانیان مفهوم سرزمین سیاسی یا « کشور » را در مقیاس مفاهیم مدرن جغرافیای سیاسی ، پدید آوردند . اگر چه واژه « شهر » در فارسی کنونی به معنی « سیتی : شهر » است ، در فارسی کهن و میانه به معنی « کشور » با مفهوم مربوط در جغرافیای سیاسی مدرن بود .

ایرانیان پیرامون ایرانشهر را با مرزهایی واقعی مشخص کردند .[۷]با پیدایش عنوان جغرافیایی ـ سیاسی ایرانشهر در قرون میانه ساسانی برای سرزمین های ایرانی فدراسیون ، ایرانیان مفهوم « سرزمین سیاسی » یا « کشور » را ، در قیاس تعاریف مدرن این مفاهیم در جغرافیای سیاسی ، واقعیت بخشیدند . هویت ایرانی در عصر حاضرفرو ریختن نظام جهانی دو قطبی در دهه ۱۹۹۰ که منجر به از میان رفتن موازنه ژئوپولتیک در جهان سیاسی شد و فروپاشی ابر کشورهایی چون اتحاد جماهیر شوروی ، یوگسلاوی و چکسلواکی پیشین سبب پیدایش شمار زیادی از ملت های جدید در اروپای خاوری و در آسیای مرکزی و قفقاز ، در همسایگی ایران ، شد . از سوی دیگر ، جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد ، همراه گسترش سریع تکنولوژی آگاهی رسانی ، این جهان سیاسی از هم گسیخته ما را به سوی واقعیت بخشیدن به ایده‌های « جامعه بشری » یکنواخت روانه می سازد .

جغرافیای ایران و هویت ایرانی‌هویت ملی هر ملتی ، در درجه نخست ، زاییده محیط جغرافیایی آن ملت است و فلات ایران ، بدون تردید ، گاهواره هویت ایرانی است

در رویارویی با این دگرگونی ها است که هویت ملی ایرانی که در حقیقت چتر گسترده ای است و هویت های محلی اقوامی چند را در درون خود دارد ، عنصر پیوند دهنده این اقوام است ، آذری و کرد ، لر و بلوچ ، خوزی و خراسانی ، گیلک و مازندرانی ، رازی و پارسی همه مردمانی ایرانی هستند برخوردار از هویت قومی ویژه با زمینه گسترده ای از مشترکات هویتی ملی .

از سوی دیگر ، پیدایش جوامع ایرانی تازه ای در کشورهای گوناگون ، به ویژه در اروپا و ایالات متحده ، در دو دهه پایانی قرن بیستم ، تلاش‌ایرانیان برای هماهنگی پیدا کردن با شرایط اجتماعی جوامع گوناگون و هم چنین ، پروراندن نسل دوم از مهاجرین در این جوامع و دور از ایران ، جنبه های پراهمیتی را در بررسی هویت ایرانی پایان قرن بیستم مطرح می سازد .

از سوی دیگر ، فرو ریختن نظام جهانی دو قطبی در دهه ۱۹۹۰. که منجر به از بین رفتن موازنه ژئوپولتیک جهان و دگرگونی اساسی در نقش آفرینی های منطقه ای ایران شده است ، نماینده چالش های برون مرزی پر اهمیت است که هویت ایرانی با آن رویارویی پیدا کرده است . دگرگونی های اساسی در نظام جهانی دهه ۱۹۹۰ ایالات متحده را تشویق کرد تا در راه واقعیت بخشیدن به ادعای « نظام نوین جهانی » خود تلاش کند . از سوی دیگر ، در حالی که روند شکل گیری یک نظام ژئوپولتیک چند قطبی که روی پیدایش سلسله مراتبی از گروهبندی های اقتصادی منطقه ای در جهان تکیه دارد ، توام با جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد و اقتصادی شدن جهان ژئوپولتیک همراه با گسترش سریع نقش آفرینی تکنولوژی آگاهی رسانی که حاکمیت دولت ها و نقش آفرینی مرزها را به سرعت دگرگون می سازد . نظام جهانی دگرگون شونده پایان قرن بیستم ، به هر حال ، موج تازه ای از چالش های برون مرزی نسبت به ایران را ، به عنوان یک ملت یک پارچه ، معرفی کرده است و بر نقش آفرینی های هویت ایرانی ، همانند هویت ملل دیگر جهان ، اثر ژرفی می گذارد . پیدایش احساس تازه ای از ناسیونالیزم ایرانی که با اشکال شناخته شده ناسیونالیزم به مفهوم اروپایی آن ، تفاوت دارد ، زمینه ها را در ایران آماده بحث پیرامون پیدایش و گسترش جامعه مدنی نوینی ساخته است . این چهره تازه از ناسیو نالیزم ایرانی ، نشانه ای از زیر بنایی حکومتی ندارد و ایدئولوژی حکومتی نیست .

این چهره تازه ، به نظر می رسد که ریشه در اندیشه و احساس عمومی ایرانیان دارد . این هویت نیروی سیاسی تازه ای به حساب می آید که از پایین به بالا درجریان است و از سوی مردم بر حکومت اثر می گذارد و همراه با دیگر تحولات یاد شده در بالا ایران را آماده اجرای نقش تازه ای در آستانه قرن بیست و یکم می سازد .

برگرفته از کتاب ایده های ژئوپولتیک و واقعیت های ایرانی

Amordad Vol.1 No.6 Tuesday June.25.2002
E.mail: amordadchok@hotmail.com پست الکترونیکی:
دبیر سرویس: آمیرزا

همکاران: فرهاد رویین تن، پژمان پیلتن، فرنوش نیرپوسنگی، رستم دبیناری، آرش نورافروز ، میترا گوشنی، آرش دبیناریان، کیوان هور، نرینی دهمود، فیروزه رویین تن، می رمانی، شهرام پوردهی

عقیده آمیرزا

تشویش

آنچه در پی می آید عقیده ی شخصی آمیرزا است و گروه چکاچک هیچگونه مسئولیتی در قبال حرفهای آمیرزا ندارد. یه روز پیر مردی توی پارک نشسته بود که دو جوان آمدند و کنارش روی زمین نشستند. چند لحظه که گذشت جوان بغل دستی پیر مرد از دیگری پرسید راستی نگفتی اسمت چیه ؟
گفت : بارون. پرسید:"اسم بابات چیه ؟" گفت :"کارون" گفت:" فامیلتون چیه ؟" گفت :"دریا"پیر مرد از جایش بلند شد و گفت تو رو خدا ترمز کن تا من از اینجا برم ، میترسم سیل بیاد و منو ببره . حالا حکایت انجمن ما هم شده مثل این .
با این حرفهایی که می زنند و کارهایی که می کنند یکی باید اعلام کنه که ما را خواهد برد. توی جلسه ی انجمن می نشینند و از مارکار صِحبت‌می کنند و همشون هم می دونن مارکار آدم خیر و نیکوکاری بوده ،حالا که می خواهند جشنواره تئاتر توی یزد برگزار کنند و بزرگداشت کسی رو که تمام سرمایه اش از طول زندگی از هند به یزد بگیرند، می گن نه! به جای بزرگداشت باید دیوار مدرسشو خراب و آجری کنیم .این چه نفعی برای جماعت داره جز اینکه مقداری عقب نشینی کنیم و زمین ها مونو بدیم به شهرداری ؟
نکنه جوونهای ما هم که دارن از این مملکت می رن از اون پیرمرد یاد گرفتن که تا سیل اونا رو نبرده در برن . شاید هم به این نتیجه رسیدن که این زیارتگاه اگر شفا نده حتما کور می کنه ، حالا مردم هیچ چی ، خودشون می فهمن دارن چکار می کنن، کار این اعضا ء منو به یاد داستانی انداخت که : میگن یه روزی یکی رفت پیش پادشاه و گفت : "من پیغمبرم و هر معجزه ای که بخواهی انجام می دهم ،پادشاه قفلی جلویش گذاشت و گفت کلید این قفل گم شده ،اینو باز کن .
مرد گفت : من پیغمبرم ، نگفتم کلید سازم . حالا شما هم مرد و مردونه بیایید بگین چکار کنیم؟

فردریک باراباسوفامیک

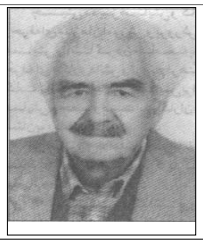

با خبر شدیم که خسرو شاهانی طنز نویس زندگی را بدرود گفته ما شرح زندگی او را آنچه خودش گفته نقل می کنیم .یادش گرامی باد.
نام : خسرو نام فامیل : شاهانی شرق قد ۱۶۲ سانتی متر وزن ۶۲ کیلو گرم نام پدر: علی اصغر(مرحوم) نام مادر:الویه بیگم (مرحومه) علامت مشخصه :اثر سالک روی گونه چپ دارای سبیل در دهم دیماه ۱۳۰۸ شمسی مطابق با اول ژانویه ۱۹۲۹ میلادی در نیشابور متولد شدم(این که مردم مختلف جهان و کشورهای اروپایی و دنیای مسیحیت شب اول ژانویه را جشن می گیرند، قسمت اعظمش به خاطر تولد بنده است) پدرم را در کودکی و مادرم را در بزرگی از دست دادم.
کار مطبوعاتی را از اول سال ۱۳۳۴ شمسی با روزنامه خراسان چاپ مشهد شروع کردم که مدت ۳ سال به طور مستمر ادامه داشت . در دیماه ۱۳۳۶ به دعوت آقای صادق بهداد مدیر روزنامه "جهان" از مشهد به تهران آمدم و در روزنامه جهان مشغول به کار شدم دراین روزنامه ، ۳تا ۴ ستون تحت عنوان (از هر دری سخنی) مطالب طنز آمیز می نوشتم در سال ۱۳۳۷ علاوه بر کار در روزنامه جهان خبرنگار پارلمانی روزنامه پست تهران شدم، در سال ۱۳۳۸ به دعوت رادیو ایران مطالبی برای رادیو تهیه می کردم و از جمله‌برنامه گفتنی ها بود. در سال ۱۳۳۸ پس از یک سال همکاری ام را با روزنامه "پست تهران "قطع کردم و جول و پلاسم را به روزنامه کیهان منتقل کردم و شدم خبرنگار کیهان(در دو مجلس شورا و سنای آن زمان) در روزنامه کیهان علاوه بر خبرنگاری که شغل اصلی ام بود رپرتاژهای شهری هم تهیه می کردم . در سال ۱۳۴۱ به دعوت مرحوم علی اصغر امیرانی همکاری ام را با مجله خواندنی ها که هفته ای ۲ شماره ،شنبه و سه شنبه هر هفته منتشر می شد شروع کردم . در هر شماره ۴ صفحه تحت عنوان (در کارگاه نمدمالی)می نوشتم و بعد از تعطیل شدن خواندنی ها بیکار شدم . ضمنا با مجلات و نشریات مختلف آن زمان مثل ترقی،سپید و سیاه ، روشن فکر ، آسیای جوان، امید ایران، تهران مصور و توفیق هم همکاری غیر مستقیم داشتم .
راستی یادم رفت بگویم در مسابقه ی ادبی که در سال ۱۳۴۳ از طریق سندیکای نویسندگان و خبر نگاران مطبوعات ترتیب داده شده بود داستان طنز آمیز (کور لعنتی) بنده بین شرکت کنندگان و نویسندگان حرفه ای جراید برنده شدم

بنده هم مثل شما سال و مهی
می کشیدم نفسی گاه گهی
ناگهان نیمه شبی تیره و تار
کامدم خسته و گیج از سر کار
گشتم از پشت، من بیچاره
زیر چنگال پلنگی پاره
زنده بودم که پلنگی منو خورد
آنچه جاماند به‌غسا ل سپرد
عوض گریه که بر بنده کنید
فکری از بهر دو تازنده کنید

چرا آن سالن زیبا گران است
عروسی ها در این سالن نهان است
دلیل آن برای ما عیان است
ولی آنرا چه حاجت به بیان است
غذاهایش ندارد هیچ حرفی
فسنجانش شبیه گولهٔ برفی
صدا خوب و پذیرایی آن خوب
برای بار اول می خوری چوب
چراغ لوسترش خیلی قشنگ است
و هم مسئول آن زیر و زرنگ است
یکی قالی قرمز دارد آنجا
ز سقفش برف و باران بارد آنجا

حاجی فیروز

داستان

خاطرات یک جهانگرد آگالی گالیور ، ماجراجوی بزرگ ،ماجرا جوییکه همه مکانهای بزرگ را زیر - پا گذاشته و اکنون در جوامع کوچکتر پیدا شده تا سیری در مکانهای آنجا بیاندازد.

حال تعمیر است .
من با تعجب از اینکه همه چیز این جامعه با جوامع دیگر فرق می کند و می لنگد ناگهان به یاد چیترا افتادم و او را در کنار فکس پیدا کردم که مشغول بازی با فکس هایی بود که در عرض همین چند دقیقه برای دولت خانم کنجکاو آمده بود. من واقعا از شخصیت دولت خانم خوشم آمده بود،او همه خبر ها را حتی کوچکترین خبر را در پرت ترین جای دنیا داشت.
از او پرسیدم که چرا بچه ها در تابستان به سر کار نمی روند چون در بیشتر کشور ها بچه ها در اوقات فراغت و بیکاری و یا حتی تحصیل به سر کار می روند .
او گفت در پیران بیشتر بچه ها که توانایی مالی دارند به سر کار نمی روند و تابستان خود را با تفریح و ... پر می کنند و دیگر اینکه در این جامعه برای کسانی که مدرک دارند،کار نیست چه برسد به بچه ها .
گفتم : نه کار سخت ،کاری که با توجه به آن بتوانند علاقه خود را پیدا کنند و در آینده ادامه دهند.
او گفت :در اینجا بچه ها به علایق خود کمتر توجه می کنند و سعی می کنند به سمتی بروند که جامعه نیاز دارد.
او باز هم جامعه خودشان را مثال زد و گفت: اگر درجایی یا اداره ای کسی را آشنا داشته باشی دیگر مشکلت حل است ولی وای به حال وقتیکه نه پول داشته باشی و نه آشنا ، آنوقت است که مدرک هم به درد نمی خورد.
پس از آن از دولت خانم کنجکاو خداحافظی کردم تا او به کارهای خبرنگاری اش برسد و من هم به منزل آمدم نهار را خوردم و به خواب پس از نیمروز پرداختم.

الیزابت باراباسوفامیک

Marriage is an action
that if you do it today. it is very early and if you do it tomorrow is very late.
ازدواج عملی است
که اگر امروز انجامش دهی خیلی زود است و اگر فردا انجامش دهی خیلی دیر است
میترا دولیان ـ هندوستان

دل گاه

تبریکات

برای جلوگیری از فشردگی مسابقات جام جانباختگان افتتاحیه به همراه اختتامیه در همانروز نخست به صورت همزمان برگزار خواهد شد !

در محل کوشک استادیومی ۱۰۱ هزار نفری احداث خواهد شد که با توجه به کافی نبودن بودجه، یک هزار نفر آن احداث و بقیه به مرور زمان اضافه و تکمیل می گردد!

در نظر خواهی از خوانندگان هفته نامه امرداد ۹۹٪ خوانندگان ، مطالب صفحه چکاچک را ضعیف و لوس ارزیابی کردند!!

تیم فوتبال منتخب زرتشتیان در دیداری دوستانه و به دعوت فدراسیون جهانی فوتبال به دیدار تیم ستارگان جام جهانی ۲۰۰۲ کره و ژاپن خواهد رفت . این مسابقه احتمالا در استادیوم ۲۷۰ نفری مارکار تهران پارس برگزار خواهد شد.

آچار فرانسه شیرازی

. شنیده شده است که ۲۰۰ میلیون تومان اهدایی‌ریاست جمهوری برای ورزش جامعه زرتشتی پر !!

اسفندیار

از سخن بزرگان

مردی از کسی چیزی خو است . او را دشنام داد. گفت : مرا که چیزی ندهی چرا به دشنام رانی؟گفت : خوش ندارم که تهی دست روانت سازم .

عبید زاکانی

سپیدشت

ما و جام جهانی

الدعایه دروازه بان عربستان پس از دریافت ۱۲ گل در سه بازی اعلام کرد که اگر بهترین دروازه بان جام جانباختگان هم به جای او بود ، همین تعداد گل را دریافت می کرد!

سرایدار یکی از ورزشگاه های برگزار کننده ی جام جهانی گفته است که اگر اصرار رئیس فیفا نبود،او عمرا اجازه می داد مسابقه ی فوتبال در ورزشگاهش برگزار شود . وی بزرگترین آرزوی خود را گرفتن عکس و امضاء از سرایدار آدریان بزرگ عنوان کرد!

شورت های ورزشی تیم ملی برزیل که شسته شده بودند، برای بازی با کاستاریکا خشک نشدند و تیم برزیل بدون شورت ورزشی مانده بود . که خوشبختانه یک خیر اندیش برزیلی به سبک بعضی از خیر اندیشان! یک دست شورت ورزشی رنگ و رو رفته و سفید به این تیم اهدا کرد.

اسفندیار

سینما سینتو سینمن

احساس مسئولیت .....گمشده
همبستگی و همدلی.....ایستگاه متروک
بازگو کننده حقایق .....مزاحم
دبیر ریاضی عاشق.....عشق + ۲
امرداد..... مونس
مطالب صفحه چکاچک..... مربای شیرین
آچارفرانسه شیرازی

اطلاعیه‌مهم آبدار خانه شاغلام !

بچه ها... گل آقا با همکاری **چکاچک ...امرداد** منتشر می کند.
هفته نامه بچه ها... گل آقا (اولین هفته نامه طنز بچه های ایران)با همکاری برو بچه های گروه چکاچک هفته نامه امرداد در مهرماه امسال (۱۳۸۱) یک شماره مخصوص هموطنان زرتشتی منتشر می کنند. شما نوجوانان و بزرگترهای با ذوق می توانید آثار طنز نوشتاری (شعر طنز ،داستان طنز و...) و کاریکاتورهای خودتان را با موضوعات مورد علاقه - نوجوانان حداکثر تا اول شهریور ماه برای ما به نشانی تهران صندوق پستی ۵۶۵۶ـ ۱۵۸۷۵ هفته نامه گل آقا یا آدرس تهران خردمند شمالی کوچه ۶ پلاک ۲هفته نامه امرداد بفرستید.
برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۸۷۹۳۰۱۲.۴ یا ۸۸۲۴۸۰۶ تماس حاصل فرمایید.

مقاومت ، سکوت ، عشق

پیمانه سروشپور

اینجا معرکه بین مرگ و زندگی است جایی که برای زنده ماندن باید جنگید .

اینجا طبیعت سر نبرد دارد نبردی که باختنش برابر باختن همه چیز است . آفتاب اینجا با بی رحمی هر انسانی را به تسلیم وا می دارد ، همچون دیگر کسانی که در گذشته ، با بی رحمی در پی نابود کردن آرمان ها و باورهای ایشان بوده اند .

اینجا همه چیز سرخ است . خانه ها به رنگ خون - صاحبانشان ، خاک به رنگ خون جانباختگانشان و صحرا به رنگ شراب بیدادی که صاحبان قدرت دوران های مختلف نوشیده اند .

همه چیز اینجا ، رنگ خون دل ساکنان اش را به خود گرفته است .

اینجا یادگار پایداری باور در برابر زور و قدرت است پیروزی اندیشه نیک .

اینجا یادگار فریادهای راستین در برابر عربده های

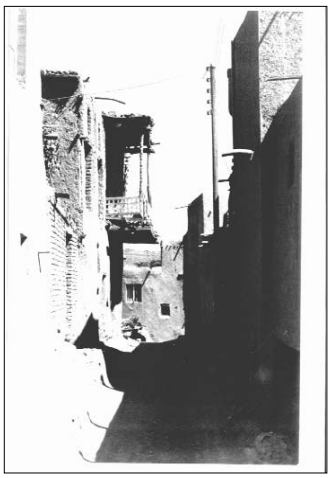

خویشتن دوستان است پیروزی گفتار نیک .

اینجا یادگار پیروزی تنها راه در جهان یعنی راستی بر کژی و ناراستی است .

اینجا ابیانه است .

در گرمای طاقت فرسا ، در حالی که آفتاب همه چیز را می سوزاند ، دو پیر زن را از دور می بینیم که دم در خانه هایشان نشسته اند .

می پرسیم : چرا اینجا معروف است ؟

می گوید : چون ما لباس سنتی مان قدیمی و زبان محلی مان فارسی دری است .

می پرسد : شما زرتشتی هستید ؟

پاسخ می دهیم : آری اما از کجا فهمیدید ؟

جواب می دهد : از رنگ لباس ها و آرامی چهره هاتان . با زبان دری از او می پرسم : آیا زبان ما را می توانید صحبت کنید ؟

به زبان دری پاسخ می دهد هر چه می خواهید بپرسید تا جواب بدهم .

چرا به این زبان صحبت می کنید ؟

چون ما قبلا زرتشتی بوده ایم شاه عباس مردم این روستا را وادار می کند تغییر دین بدهند اما مردم زبان ، لباس و سنتهایشان را حفظ می کنند . رضا شاه هم به زور می خواست لباس ما را عوض کند اما نتوانست .

می پرسیم از دین زرتشتی چه می دانی ؟

می گوید : اگر مردم دنیا به اندیشه ، گفتار و کردار نیک عمل کنند جهان بهشت می شود .

از او سپاسگزاری می کنیم و پایداری شان را در حفظ سنت هایشان می ستاییم . می خواهیم او را ترک کنیم که صدایمان می کند و با غرور می گوید : ما زبان مان ، لباس سنتی مان را حفظ خواهیم کرد . فرزندان ما وقتی به زادگاه خود باز می گردند لباس محلی شان را بر تن می کنند و با اندکی تأمل می گوید : ولی شما آن را حفظ نکرده اید و به مانتو ، شلوار و روسری ما اشاره می کند .

با اینکه سخنش به مذاق مان خوش نمی آید ولی خوشحال می شویم که او به این موضوع پی نبرده که بسیاری از جوانان زرتشتی از جمله خود من زبان دری را هم نیاموخته ایم چه برسد به استفاده از پوشش سنتی که شاید استفاده از آن عملا در جامعه کنونی غیر ممکن است .

به این می اندیشیم اینان در زمانی که شمشیر بالای سرشان بوده است به زبان دری سخن گفته اند و ما در زمانی که از آزادی برخورداریم ، صحبت کردن به این زبان را مناسب زمان کنونی نمی دانیم . چرا ؟

پوشش زنان اینجا چارقد با نقش گلهای رنگین ، پیراهن سنتی زرتشتیان و شوال است و لباس مردانشان کلاه و بلوز سفید و شلوار بلند گشاد است .

اینجا همچون گذشته ، بامدادان هنگام بر آمدن خورشید ، در خانه ها را جارو می کنند ، آب می پاشند ، آتش می افروزند و دعا می خوانند . پگاه هر روز هوای اینجا را بوی اسفند و کندر پر می کند .

اینجا در زمان عزاداری لباس های نو و زیبا بر تن می کنند ، رو به نور می ایستند و نیایش می کنند . روزهای بعد در اطراف منقل آتش ایستاده و برای درگذشتگان طلب آمرزش می کنند .

نام های مردم اینجا ، فارسی است برگرفته از نام های شاهنامه . آتشکده های اینجا هرگز ویران نشد ، بلکه چهره خود را به مسجد تغییر داد و رونمایی دیگر بر سرگذاشت تا باز هم دوستداران یزدان را در آغوش خویش پناه دهد .

اینجا با وجود سال ها ویرانی ، هنوز قدیمی ترین آتشکده خود را در پناه خویش ، پاسدار بوده است . به آنجا می رویم ، پیر زنی می بینیم همچون عروسک با اندام کوچکتر از اندام معمولی انسان ها با صدایی نازک تر از صدای یک زن معمولی ، او با وجود سن زیادش ، به کودکی ۶ ساله می ماند .

اسفند می فروشد ، همین طور کندر ، زرشک ، لواشک و گیاهان دارویی .

مردم او را می بینند ، به او می خندند و برخی او را به مسخره می گیرند و برخی از روی ترحم ، با محبت با او سخن می گویند و همه از هم صحبتی با این موجود زیبا با چشمانی سبز و گیرا لذت می برند و او با چهره باز ، همه این محبت ها ، تمسخرها ، ریشخندها و دلسوزی ها را می پذیرد و با سخنان خود آنها را شاد می کند .

ولی آیا هیچ کدام می اندیشند شاید این کوچکی اندام و رشد متوقف شده زود هنگام نتیجه رنج مادری باشد که در برابر سخن زور سکوت کرد و اکنون صدای این فریاد از وجود فرزندش هنوز شنیده می شود .

به هر حال خجالت می کشیم از گذشته اش بپرسیم .

در حالی که اینجا با این طبیعت زیبا و سنت های زیباتر و بناهای قدیمی اش ا کم توجه و رسیدگی می تواند یکی از مراکز توریستی کشورمان باشد چرا اینچنین مورد بی مهری قرار گرفته است ؟

می خواهیم از او عکس بگیریم اما با التماس می گوید : نگیرید مرا دعوا می کنند .

دعوایت می کنند ! مگر هنوز ... ؟

عکس نگیریم مبادا رنج گذشتگان به رخ آیندگان کشیده شود . باشد عکس نمی گیریم تنها به فریاد بی صدایت گوش می دهیم و چهره ات را در ذهن از بر می کنیم .

با پیر زن دیگری سخن می گوییم که در حال فروش جنس های خود است . او به جواب دادن تمایلی ندارد و انگار ترس از قدرت ها را از گذشتگان به ارث برده اما وقتی از فرزندانشان می پرسیم و اینکه چرا اینجا همه پیر زن وپیر مرد هستند .

می گوید همه فرزندان ما تحصیل کرده هستند ، دکتر یا مهندس و در شهر کار می کنند و برخی نیز در خارج از کشور تحصیل می کنند .

به یاد می آوریم که ضریب هوشی مردم این منطقه بسیار بالاست .

می پرسیم : اینجا چکار می کنید .

جواب می دهد : کشاورزی .

می پرسیم : بعد از شما کسی این کار را ادامه نمی دهد ؟

می گوید : نه بچه های ما در شهر زندگی می کنند .

می پرسیم : راستی چرا خاک اینجا قرمز است ؟

جواب می دهد : چون آهن دارد .

در جایی دیگر یک دانشجوی عکاسی ، مشغول عکس گرفتن از خانه پیرزنی است ، خانه های گلی ، بادگیرها ، معماری ها. خانه ها ، زرتشتیان را به یاد یزد می اندازد .

پیر زنی دم در خانه نشسته ولی رویش را ازدوربین می گرداند ، چهره اش از نور آن می گریزد رو می گیرد ، به او می گوییم : با ما هم عکس نمی گیرید؟ با خنده می گوید : اگر تمام این جنس ها را خریدید شاید .

خنده اش را پاسخ می گوییم و می رویم .

پیرزنی دیگر دم در خانه اش را به دکانی کوچک تبدیل کرده و جنس می فروشد .

می ایستیم تا از مغازه کوچکش و او که مشغول کار کردن است ، عکس بگیریم ، حواسش به ما نیست .

چند ثانیه ای صبر می کنیم تا رهگذران رد شوند . او متوجه می شود و بلافاصله با ترک کردن مغازه اش از ما می گریزد .

توریستهای خارجی هم از این رفتارها شگفت زده شده اند . می پرسیم : واقعا این همه ترس بجامانده از گذشتگان است ؟ به جز این پیر زن ها و پیرمردها چند دختر بچه را در حال فروش اسفند های زینتی می بینیم .

تعجب می کنیم ، ولی وقتی می فهمیم آنها افغانی هستند تازه در می یابیم که این مکان به دور از همه جا و خالی از امکانات به جز نسل قدیمی تر ، تنها پناهگاه برای

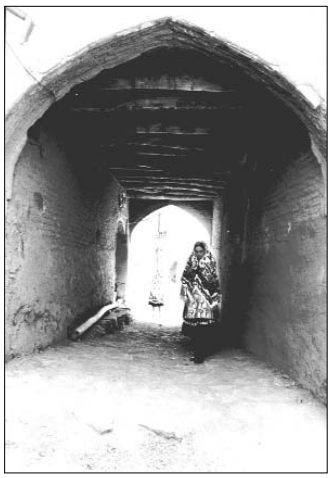

کسانی است که از جنگ ها و کشتارها گریخته اند تا در گوشه ای به زندگی ادامه دهند .

انگار تنها آنها ، اینجا را شایسته زیستن دانسته اند . نکند بعد از این نسل دیگر ، اینجا و سنتهایش به فراموشی سپرده شود ؟

جایی که باورهایش را در برابر کشتارها ، اجبارها و شکنجه ها از دست نداده ، نکند در برابر فراموشی و بی توجهی ما در برابر دنیای نو خواه در مدرنیته کنونی و در برابر ارزشهای وارونه شده ، از پا در آید .

اینجا را هیچکس تصرف نظامی نکرده و قلب مردمان چون گذشته در تصرف قدرتهانیست ولی نکند به تصرف فراموشی در آید .

آری اینجاجایی است که با سکوت کشنده اش ، فریادی کر کننده سر می دهد . وقت رفتن فرا رسیده است و باید اینجا را ترک کنیم پس خدانگهدار شهر نامه های در میان راه مانده، از دل بر آمده و هرگز از دهان خارج نشده، شهر فریادهای خموش گشته .

خدانگهدار "ابیانه" و مزدا اهورا پشت و پناه مردمانت .

یادداشت — جشن ها برای نو شدن و شادی

یادداشت

مثل هر روز نگاهی به روزنامه می اندازم،در میان خبرهای ریز و درشت ،خبرهای خوب و بد ، چند خبر جالب نیز به چشم می خورد "برگزاری جشن هندوانه در چین " ،در کنار عکسی از یک ماکت بزرگ هندوانه . با این توضیح که مردم چین در آغاز برداشت هندوانه جشن می گیرند.

اندکی تعجب می کنم.

روز دیگر ،بازهم روزنامه ها ؛ باز هم خبرهای مختلف، این بار هم یک خبر جالب توجه "فرانسویان همزمان با نخستین روز تابستان جشن سالانه ی موسیقی را برگزار می کنند و ...

در جای دیگری ، از جشن‌های کشور ژاپن می خوانم ، جشن تغییرات فصل (ست سوبون)،جشن های عروسکی ، جشن روز کودکان ، جشن آرزوها(تاناباتا)و ...

در مقاله ای ، روانشناسی از نبود شادی و بی توجهی به آن در کشور ما می گوید و یکی از دلایل خشونت ها و افسردگی ها را در این می داند و جامعه شناسی حتی برگزاری جام جهانی را به دور از اهداف سیاسی و اقتصادی آن ترویج شادی و ایجاد زمینه یی برای خالی کردن عقده های ملت های جهان می داند .

شادی ریشه ی دیرینه در فرهنگ ایران دارد. در گاتها بارها و بارها بر شاد بودن و شاد کردن دیگران تاکید شده است و نمونه آن را در کتیبه ی داریوش می خوانیم" ... وخداوند بزرگ ، اهورامزدا آسمان را آفرید و زمین را ،مردم را آفرید و شادی را برای مردمی آفرید که بر آن می زیند. "

نگاهی به تقویم می کنم،جشن فروردینگان، اردیبهشتگان،خورداد گان ...

به یاد حرف یکی از دوستان می افتم که می گفت خبر جشن ها، همه مثل هم است . فقط باید یک جای خالی گذاشت و اسم جشن را به آن افزود و اکنون که می اندیشم می بینم که راست می گفت.

با وجود اینکه این جشنها برای ما جنبه دینی نیز دارد هر سال آن را بی انگیزه تر از قبل برگزار می کنیم، هیچ برنامه جدیدی به آنها اضافه نمی شود و هیچ مشارکتی برای برگزاری صورت نمی گیرد.

جشن هایی که می تواند در سطحی بزرگ و با ابتکارات مختلف ، با مشارکت جوانان و نوجوانان برگزار شود،آن قدر در تکرار و روزمرگی گرفتار آمده که خیلی بی تفاوت حتی از آنها یاد می کنیم .

به راستی چگونه است که ملت های دیگر به بار آمدن هندوانه ،موسیقی و ... را دست آویزی برای شادی قرار می دهند و ما که پیدایش زمین ،آب و... فلسفه جشن هایمان هستند اینچنین به آنهابی مهری می کنیم .

جشن ها فرصتی است برای شاد بودن و گریز از روزمرگی ها . فرصتی است برای با هم بودن و بهانه ای است برای دیدار و گفتگو.

چه خوب است حالا که ما وام دار چنین فرهنگ و باوری هستیم با نگاهی جدید به این جشن ها در برگزاری آنها نیز شیوه یی متفاوت در پی گیریم . شیوه یی که نه تنها به جذابیت و غنای آنها بیفزاید بلکه زمینه مشارکت هر چه بیشتر شرکت کنندگان را نیز فراهم آورد و این کار شدنی است . تنها نیاز به نگاه جدید و برنامه ریزی بهتر دارد.

می توان، مناسب هر جشن ، مراسم ویژه ای متناسب با موضوع جشن ، برگزار کرد. همچنین برگزاری جشنواره های فرهنگی ، هنری ، اجرای نمایش های شاد،برنامه های موسیقی، دعوت از سخنرانان زبده ،تدارک برنامه های ویژه برای کودکان و نوجوانان و ...همه می تواند گامی در این راستا باشد.

اشتراک امرداد پاسخی است به نیاز جامعه زرتشتی

۱. ارسال نشریه برای درخواست هایی که پیش از پانزدهم هر ماه به بخش مشترکین برسد از اول ماه بعد آغاز می شود .

۲. آدرس به صورت کامل و خوانا نوشته شود .قید شماره تلفن و کد پستی ده رقمی در بهتر رسیدن نشریه بسیار اهمیت دارد.

برای اشتراک یا خرید امرداد در تهران ویزد می توانید به یکی از **نمایندگی های امرداد** مراجعه نمایید :

۱- تهران . میرزا کوچک خان . جنب آذریان . فروشگاه پاسارگاد. آقای هرمزدیار اختری. تلفن : ۶۷۰۱۲۰۹

۲- تهران . فروشگاه لوازم التحریر مهرتن . میدان فرحبخش. آقای افسر کشمیری. تلفن: ۸۰۲۴۲۵۶

۳- یزد-انقلاب-نبش سیدیه-سینمافرهنگ . کتابفروشی بزرگمهر. آقای فریبرز یزدانی. تلفن :۵۲۵۲۸۱۲

۴- بلوار شهید صدوقی - روبروی تالار شهر . کتاب فروشی کورش. برادران اخوی جو. تلفن: ۷۲۵۰۱۵۱

هزینه اشتراک داخلی (یکساله):

پست عادی : ۱۹۵۰۰ ریال پست سفارشی: ۳۶۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک خارجی (یکساله):

آمریکا، استرالیا و آفریقا: پست عادی: ۱۲۰۰۰۰ ریال پست سفارشی: ۱۸۰۰۰۰ ریال

کشورهای اروپا و آسیا: پست عادی : ۹۰۰۰۰ ریال پست سفارشی : ۱۵۰۰۰۰ ریال

نام و نام خانوادگی : **سن :** **تاریخ تکمیل فرم:** **شماره فیش بانک :**

شهرستان: _____ خیابان: _____

کوچه : _____ پلاک : _____ طبقه : _____

کد پستی ده رقمی : _____ تلفن تماس: _____

نوع پست: ☐ عادی ☐ سفارشی

نوع درخواست: ☐ اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک

در آمریکا می توانید معادل (۱۲۰۰۰۰ ریال) دلار آمریکا را به حساب جاری شماره : ۰۰۶۰ ۵۸۲۷ ۳۱۱۲ بانک آمریکا (Bank of America) به نام جمشید کیومرثی (Jamshid Keumarsi) واریز نمایید .

می توانید بهای اشتراک را به حساب جاری ۸۷۸/۸ بانک ملت شعبه سازمان صنایع ملی (تهران) قابل واریز در کلیه شعب بانک ملت در سراسر کشور به نام جمشید کیومرثی واریز و اصل رسید را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی : تهران ، خیابان کریمخان زند ، خیابان خردمند شمالی ، کوچه ششم ، پلاک دو ، کد پستی : ۱۵۸۵۸ ارسال نمایید .

Amordad Vol.I No.6 Tuesday June.25.2002
E.mail: amordadnews@hotmail.com پست الکترونیکی:
دبیر سرویس: بابک سلامی

همکاران امرداد در شهرستان ها : شهرام پیردهی ،مهربان پولادی ،بابک خداداد کوچکی ،مهران غیبی خسرو بهدین ،فرزاد شهریاری فر

نامه ای از... ؟ و پاسخ امرداد

سردبیر محترم امرداددر خصوص مطلب درج شده در ستون سخن نخست شماره چهارم دوره جدید دو هفته نامه امرداد مورخ ۸۱/۳/۷ که به نظر می رسد عقاید و مواضع سردبیر و مسئولان آن نشریه می باشد.

از آنجا که **دقت نظر و تلاش کارشناسانه کمیسیون آموزشی انجمن زرتشتیان تهران** از یک سوی و تجارب آموزشی و مدیریتی سالیان مدیر منتخب و معرفی شده از سوی دیگر ، بدون ذکر حتی یک دلیل و برهان منطقی و معقول، به اصطلاح به زیر سئوال و تردید برده شده این کمیسیون به منظور روشن گری و آگاهی بخشی به اذهان جستجوگر همکیشان گرامی ، ناگزیر از ادای توضیحات زیر است:

۱. چون در طول یکسال مورد اشاره سردبیر محترم امرداد، حتی به طور غیر مستقیم خبرنگار یا نماینده ای از سوی آن نشریه جهت کسب اطلاع دقیق و روشن پیرامون چگونگی انتخاب مدیر برای اداره دبیرستان فیروزبهرام به کمیسیون آموزشی انجمن مراجعه نکرده است و به نظر می رسد که نویسنده سخن نخست بنا به عبارت معروف ، **خود به تنهایی به قاضی رفته و کوشیده تا نظریات و سلیقه های فردی یا جناحی خود را به مخاطبان امرداد تسری دهد** حال آنکه با اندکی پرس و جوی امانت دارانه می توانست حقایق امر را آن گونه که هست برای جامعه بازگو نماید

۲. اگرچه تابحال بیش از سه سال از صدور مجوز آموزش و پرورش برای واگذاری مدیریت مدارس پسرانه زرتشتی به افراد همکیش شاغل در وزارت آموزش و پرورش (البته در صورت داشتن دیگر شرایط لازم) می گذرد، با این حال برای هیچیک از مدارس زرتشتی اعم از دبستان جمشید جم ، راهنمایی رستم آبادیان و دبیرستان فیروز بهرام تا کنون افراد زرتشتی خود را نامزد این سمت ننموده اند.

۳. در پی مشورت های متعدد و مسئولانه کمیسیون آموزشی با صاحب نظران و همکیشان که شناخت بهتر و درست تری از فرهنگیان جامعه زرتشتیان دارند و در پاسخ گویی مناسب به درخواست عده ای از همکیشان و با توجه به سوابق آموزشی و کاری مهندس خداداد راسخی خرمی در وزارت آموزش و پرورش که ذیلا به اختصار به آن اشاره خواهد شد کمیسیون آموزشی ایشان را در مجموع برای مدیریت آن دبیرستان شایسته و صالح ارزیابی نمود واز وی درخواست کرد که این مسئولیت را قبول نماید . به این ترتیب باید یاد آوری نمود که مهندس راسخی علیرغم توان مدیریتی تایید شده ای که دارند در آغاز خود داوطلب مدیریت دبیرستان فیروزبهرام نبوده اند.

۴. مهندس خداداد راسخی خرمی در سال ۱۳۵۴ به استخدام رسمی آموزش و پرورش در آمده و به سال ۱۳۵۶ با مدرک کاردانی به عنوان هنر آموز در هنرستان به تدریس مشغول شده است.ایشان در سال ۱۳۶۲ هم زمان با اخذ مدرک مهندسی راه و ساختمان به عنوان مدرس انستیتو تکنولوژی شهید باهنر بابل انجام وظیفه نموده و پس از بازگشت به تهران در سال ۶۳ به عنوان مهندس ناظر و نماینده اداره نوسازی و مدارس کشور در بخش فنی و حرفه ای وزارت آموزش و پرورش مشغول به کار شده و از سال ۱۳۶۵ به عنوان مدرس و سرپرست کارگاه های دانشکده عمران دانشگاه شهید رجایی به خدمت مشغول بوده و از سال ۶۸ الی ۷۴ به معاون دانشکده عمران منصوب گردیده و از سال ۷۵ تا کنون نیز سمت مدرسی و مدیر گروه عمران مرکز آموزشی عالی فنی انقلاب اسلامی را بر عهده دارد.ایشان هم چنین مسئول اداره دو دوره آموزش ضمن خدمت دبیران فنی سراسر کشور بود و سه دوره عضو هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران بوده است.

۵. از این رو به صراحت و تاکید باید گفت که انتخاب آگاهانه مهندس راسخی برای تصدی اداره دبیرستان فیروزبهرام از سوی کمیسیون آموزشی و هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران ،با کارشناسی و بررسی جوانب امر ، توجه به سوابق آموزشی و شایستگی مدیریتی ایشان و طبعا بدور از هر گونه حب وبغض و گرایش های گروهی و عاری از کمترین تعصب و یا جانبداری غیر اصولی صورت گرفته است.

۶. آن گونه که از محتویات سرمقاله «سخن نخست» و نیز نوشتار « تعامل یا جزیره» دو هفته نامه امرداد استنباط می شود این نشریه بدون تکیه به استدلال های منطقی ،ذکر شواهد قطعی و تحلیل علمی جامعه و جامعه شناسانه از آنچه مطرح کرده است ، با نگاهی خوشبینانه بر آن است که دو نکته را مطرح نماید . تحت آنکه برای اداره مراکز آموزشی خود باید از مدیرانی مدبر، با تجربه ، کاردان و لایق استفاده کرد.که این نکته در اساس و - بدون توجه به اینکه گوینده و مدافع آن کیست سخنی درست و پذیرفتنی است .

اینکه نویسنده سخن نخست امرداد به چه دلیل و بر پایه کدام اطلاعات محرز شده یی ،منتخب کمیسیون آموزشی را تلویحا واجد ویژگی های فوق نمی داند هیچگاه روشن نمی شود.

دوم اینکه نویسنده جوان « تعامل یا جزیره» معتقد است که مدارس زرتشتی خاص فرزندان خودی بدرد نمی خورد و باید با دیگر فرزندان هم وطن در یک کلاس و در یک مدرسه درس بخوانند . اگرچه این سخن تنها از یکی دو نظر به طور مشروط می تواند مقبول تلقی شود اما با دلایل بسیار روشن ومحکم دیگر ضرورت وجود این مدارس انکار ناشدنی است.

شاید درست تر آن باشد که گردانندگان نشریه محترم امرداد به جای دمیدن بوق از سر گشاد آن ، به بیان استدلالی و تحلیل آرای خود روی بیاورند و از این نظر سخن پراکنی کنند تا مخاطب همکیش را در راستای بسط و گسترش فرهنگ همازوری و تعالی اعتبار جامعه زرتشتیان برانگیزند.

۷. بنا به قوانین جاریه مطبوعات در خواست و انتظار انتشار توضیح فوق را در همان صفحه ی سخن نخست دو هفته نامه را دارد. در غیر اینصورت نویسنده این حق را برای خود محفوظ می دارد که رونوشت آنرا به دیگر مجلات وروزنامه ها ارسال نماید

با سپاس و احترام کوروش سپهری.

رئیس کمیسیون آموزشی انجمن زرتشتیان تهران

توضیح آقای سپهری بدون هیچ کم وکاستی از نظرتان گذشت .

از اینکه "امرداد" به جایگاهی رسیده است که مسوولان و دست اندرکاران جامعه ی زرتشتی خود را در قبال مطالب آن پاسخگوی افکار عمومی و نه "امرداد" می دانند، بسیار شادمانیم، چرا که رسالت ما همین است و بس.هر چند که قضاوت اصلی بر عهده تک تک شما خوانندگان است ،اما ذکر چند نکته در این بین خالی از لطف نیست .

نخست آنکه:

در این نامه تمام مباحث از سوی کمیسیون آموزشی انجمن زرتشتیان تهران بیان می‌شود حال آنکه نامه ،بدون سربرگ رسمی انجمن و فاقد مهر انجمن زرتشتیان تهران است .

اگر موضع کمیسیون است ،چرا انجمن مهر تاییدی بر آن نزده است و اگر موضع شخصی است ...

دو:

نویسنده تاکید کرده است که دقت نظر و تلاش کارشناسانه کمیسیون - آموزشی انجمن زرتشتیان تهران بدون ذکر حتی یک دلیل و برهان منطقی و - معقول ، به اصطلاح به زیر سوال و تردید برده شده است؛اما نویسنده مشخص - نکرده است که از کدام دقت نظر و تلاش کارشناسانه صحبت به میان آورده است؟

به راستی چقدر از وقت کمیسیون آموزشی برای اخذ چنین تصمیمی صرف شده است؟و آیا همه اعضای کمیسیون در امر آموزش تجربه و تخصص لازم را داشته اند؟

آیا اصلا اخذ چنین تصمیمی تنها وظیفه ی کمیسیون آموزشی بوده است؟

آیا نباید حتی از برخی چهره های فرهنگی و علمی جامعه زرتشتی و کارشناسان تعلیم و تربیت و مسایل مدیریتی در این راستا نظر خواهی می شد؟

کمیسیون چقدر در این راستا عمل کرده است،چقدر پرس وجو و نظر خواهی کرده است؟

آیا اعضای انجمن اولیا و مربیان (حد اقل این مدرسه) در جریان چنین تصمیمی بوده اند ،آیا آنان به عنوان اولیاء دانش آموزانی که در این مدرسه تحصیل می کنند حق صحبت وحتی مشورت نداشته اند؟

سه:

نویسنده ،چندین بار تاکید کرده است که امرداد نظریات و سلیقه های فردی و یا جناحی خود را در این مورد به مخاطبان تسری داده است .

کدام جناح و سلیقه ؟مگر مساله یی به این کلانی و مهمی را می توان این گونه سنجید ؟

جای تاسف است که حتی یک نفر از اعضای کمیسیون آموزشی در بحث آموزش و پرورش سخن از جناح و سلیقه و ... به میان بیاورد.

چهار:

گویا یک نکته اساسی فراموش شده است،وظیفه رسانه ها و مطبوعات - "پرسشگری "است و نه تعریف و تمجید . به راستی چرا باید از یک انتقاد اینچنین مشوش شویم و با چنین لحنی در صدد" توجیه" و نه "پاسخگویی" بر آییم ؟

پنج:

خطاب سرمقاله امرداد فر آیند انتخاب بوده و نه فرد انتخاب شده .

شخص آقای راسخی یا هر شخص دیگری مخاطب ما نبوده است.گذشت زمان فرصت عمل و نقد را به حد کافی فراهم می سازد و ما در این رابطه عجله ای نداریم ؛ اما آیا نباید در چنین تصمیم گیری هایی با دقت و مشورت بیشتری عمل کرد و اگر چنین بوده، آیا نباید مردم را در روند کارها گذاشت؟

شش :

ای کاش نویسنده ، نامه‌ی خود را اینچنین تهدید آمیز به پایان نبرده بود ."امرداد" **از همان روز اول اصل را بر "پرسش " و "گفت و گو" نهاده است. ما منعکس کننده نظرات مردم و پل میان مردم و مسئولان هستیم . پس در این خصوص نیاز به هیچ تهدیدی نیست؛ به قول بزرگ شاعر دیارمان :**

سخن بر تر از گوهر نامدار
سخن را چنین خوار مایه مدار

ستون آزاد

الو ، روز بخیر ، امرداد ؟ !
پیام گیر امرداد
روی خط ۸۸۲۴۸۰۶ دریافت کننده پیام ها ، پیشنهادها و انتقادها ی شما

□□ چند روز پیش در میدان امام خمینی ، دیدم یک دستفروش که کتاب می فروخت ،کتاب خرده اوستای رشید شهمردان را روی زمین گذاشته و می فروشد. با تعجب آن کتاب را خریدم و دیدم دارای مهر یکی از انجمن هاست .

آیا کتاب مقدس ما را باید بر زمین بگذارند و بفروشند؟این توهین به کتاب اوستا نیست ؟

نام محفوظ

□□جناب آقای قاضی ، به عرضتان می رسانیم که اگر به فکر بهبود کیان فرهنگی جامعه نبودیم ، تصمیمات جدید حادث نمی شد.

دوم اینکه برداشت بودجه ی مدرسه تا امضای مدیر نباشد غیر ممکن است. پس مدیر از تمامی برداشتها و نحوه ی مخارج مطلع است.

سوم اینکه نه تنها شما در مورد به بازی گرفتن شخصیتتان حساسید بلکه جامعه ما هم در برابر خود و هر همکیش خود همین گونه حساس است

و چهارم اینکه تعویض دبیران همه ساله نتیجه ای جز این ندارد که دبیرستان تا کنون موفق به استفاده از دبیران مجرب و سطح بالانبوده است.

م.ب یکی از اولیای دانش آموزان

□ از همکیشان گرامی که فرزندان خود رابرای تحصیل و یا کار به شهرستان ها می فرستند خواهش می کنم توجه و کنترل خاص روی آنان داشته باشند تا از آسیب های اجتماعی گزندی نبینند.

بدون نام

□□ یک ماه پیش همکیشان ساکن تهران پارس نامه ای به انجمن نوشتند که در آن نوشته شده بود : از ۱۲ نور افکنی که در زمین بسکتبال مارکار تهران پارس وجود دارد ، تنها دو نورافکن سالم هستند و خواستند حالا که فصل تابستان است و هر روز افراد زیادی برای ورزش در این مکان گرد هم می آیند نور افکن ها تعمیر شوند . چون این مکان اصلا نور کافی ندارد. ولی تا کنون اقدامی صورت نگرفته است.

بدون نام

معرفی دانش آموزان ممتاز تلاش هایشان را پایدار خواهد کرد
برای آگاهی بیشتر با شماره تلفنهای:
۷۸۰۰۳۵۹ ـ ۸۸۲۴۸۰۶ و ۸۸۲۵۲۱۲
تماس حاصل فرمایید

دفتر وکالت
فرامرز ضیاطبری
(وکیل پایه یک دادگستری)
خیابان آزادی ، روبروی وزارت کار ، کوچه بامدادان ، پلاک ۴۱ (داخل بن بست)
تلفن : ۶۸۷۵۵۴۹
شنبه ـ دوشنبه ـ چهارشنبه ، ۵ تا ۸ بعد از ظهر

یسنا کامپیوتر
سخت افزار، نرم افزار، سرویس و پشتیبانی، خدمات ، اینترنت،تعمیر قطعات .
نشانی : ولیعصر بالاتر از چهار راه طالقانی
مرکز کامپیوتر ایران ورودی دوم پلاک ۸۴
تلفن: ۱۷ ـ ۸۸۰۵۱۲۸
۰۹۱۱۲۳۴۲۹۴۷

موبایل کامبیز
چک ۲٪ خرید ..... نقد
فروش ..... اقساط سفته ۳٪
باتخفیف ویژه برای همکیشان
تلفن : ۶۵۲۰۵۸۰-۶۵۲۴۶۰۸
۰۹۱۳۲۲۳۳۲۴۴

مزدا رایانه
نقد .... اقساط
خرید و فروش کامپیوتر
پنتیم 3 و 4 ، برای همکیشان با تخفیف ویژه
کارت تلفن و اینترنت با آموزش
کپی سی دی با برنامه
کامران کشتاسبی ۴۲۳۷۸۶۱

خدمات کامپیوتری **سپند**
Spand COMPUTER SERVICE COMPANY
ارتقاء،مونتاژ،تعمیروتهیه وتوزیع انواع لوازم جانبی
تهیه و راه اندازی اینترنت
رایت،پرینت،اسکن
فروش اقساطی با کارمزد ۱/۵٪ فقط ۱/۵٪ فروش پایان یک معامله نیست آغاز یک تعهد است
تهران ،خیابان ولیعصر،پایین ترازپارک دانشجو،کوچه هاشمی فر،پلاک ۵۳
EMAIL:SPANDCO@hotmail.com ۰۹۱۳۲۷۰۴۷۲۰-۰۹۱۳۲۰۲۶۰۲۰ :همراه ۶۴۱۵۳۶۳ :تلفکس

تورهای سیاحتی ، زیارتی
بنیاد فرهنگی جمشید
شمال (نوشهر ، چیلک)
خوش آب و هوا ترین منطقه شمال
۲۳ تا ۲۵ تیر ۱۶۵۰۰۰ ریال
اصفهان
نصف جهان ۱۲۵۰۰۰ ریال
۳ تا ۵ امرداد
آتشکده آذر گشسب
تخت سلیمان ، معبد آناهیتا
۱۰ تا ۱۲ امرداد ۱۲۵۰۰۰ ریال
کرمانشاه (بیستون)
۱۷ تا ۱۹ امرداد ۱۲۵۰۰۰ ریال
همدان
(غار علیصدر ، آرامگاه بوعلی سینا ، ...)
۲۴ تا ۲۶ امرداد ۱۲۵۰۰۰ ریال
کیله این تورها همراه با استاد راهنما برای دیدار از مکانهای تاریخی و (میدانه ، شاهر ، شاه) و بهترین برنامه ها می باشد
برای تهیه بلیت و رزرو جا همه روزه از ساعت ۱۰ تا ۱۷ صبح و ۱۷ تا ۹ پسین با
تلفن : ۸۸۳۵۲۱۲ تماس حاصل نمایید

برای درج آگهی در امرداد می توانید با شماره تلفن های ۸۸۲۴۸۰۶ و ۷۸۰۰۳۵۹ تماس بگیرید

به یاری اهورا مزدا
به پیشواز گاهنبار
اجرای چهره دوم گاهنبار میدیوشهم گاه روز آبان ایزد و تیرماه برابر با آدینه ۸۱/۴/۷ از ساعت ۱۸ «شش پسین» در آدریان رستم باغ تهرانپارس برگزار می گردد.
اجرای مراسم گاهنبار را یاری دهید.
گاتا پویان رستم باغ گاتها پویان

راستین مسکن
خرید ،فروش و اجاره
آدرس :یوسف آباد ـ میدان فرح بخش (سلماس) خیابان شهریار پلاک ۱۳۴
تلفن : ۸۰۲۳۶۴۲-۸۰۲۵۳۵۲

امرداد
هفته نامه (هم اکنون دو هفته یکبار)
خبری، فرهنگی، اجتماعی
ناشر : بنیاد فرهنگی جمشید (جاماسیان)
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: جمشید کیومرثی
سردبیر: آتوسا دینیاریان
صفحات میانی زیرنگر: بوذرجمهر پرخیده
مدیر هنری :کیخسرو خادم
مدیر داخلی: آرش نورافروز
حروف آرا: بهاره کیومرثی
مدیر آگهی ها: مژگان مژگانی
لیتوگرافی و چاپ : کیان
نشانی: خردمند شمالی ،کوچه ۶ شماره ۲ کد پستی ۱۵۸۵۸
تلفن ۸۸۲۴۸۰۶ نمابر: ۸۸۲۵۲۱۲
مقالات چاپ شده الزاما نظر امرداد نیست
امرداد درویرایش مطالب آزاد است .
پست الکترونیک: **amordad @ hotmail . com**

آجیل و خشکبار سرو
قند سبز ، شیرینیجات یزدی سوغات شهرستانها
تهیه مرغوبترین آجیل (لرک) جهت هر گونه مراسم در خدمت همکیشان گرامی می باشد
کوی نصر (گیشا) نبش خیابان پانزدهم پلاک ۱۸۰
تلفن : ۸۲۷۴۳۶۵

مسکن پارسیان
مرکز اطلاعات املاک در کرج
خرید ـ فروش ـ رهن ـ اجاره
تلفن: ۰۲۶۱-۴۴۱۴۹۶۳
نشانی: کرج ،گوهر دشت ،فلکه اول ،جنب بانک مسکن

مشاور املاک شما همکیشان در کرج
رستم پرویزی
تلفن: ۰۲۶۱-۲۵۰۶۰۱۸
نشانی: کرج ،عظیمیه ، خیابان شمس پلاک ۱۷۰

پلاستیک سازی دهنادی
تولید کننده
انواع لوله های مویی و پروفیل پلاستیکی
از ۱/۵ تا ۲۵ میلیمتر
نشانی کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج خیابان دارو پخش ـ خیابان مهندس خودکار
تلفن : ۳۸۳۱۴۴۲ ـ ۰۲۶۲